

ازدواج خردسالان در پاکستان رو به افزایش است

عکس: DFID-UK Department for International Development

نوشته: (IRIN)

ترجمه خانه امن: در شهر کوچک و پر گرد و خاک "خیرپور" واقع در استان "سند" در جنوب پاکستان، که بازارهای پارچه‌های دست‌باف و رودوزی‌شده ویژه آن منطقه و همچنین خرماهایی را می‌فروشند که به وفور در آن منطقه رشد می‌کنند، سومرای 11 ساله روحیه بسیار خوبی دارد و خوشحال است.

دختری با چشمان روشن، که موهای بلند و تیره‌اش دم‌اسبی بافته شده، قرار است ظرف یک هفته ازدواج کند. درست مانند هر دختر بچه دیگری، او بابت النگوهای رنگارنگ، پارچه‌های رودوزی شده و کفش‌های براقی که سرتاسر خانه‌ای را پر کرده‌اند، شاد و ذوق‌زده است.

دخترک می‌گوید: «ازدواج کردن چیز قشنگی است. همه به من توجه می‌کنند، و به پوستم اویپتان (خمیری سنتی از جنس زردچوبه برای نرم کردن پوست) می‌زنند، درست مثل زنان زیبایی که در فیلم‌های درام تلویزیونی می‌بینم.»

اما در اتاق بغلی، مادر سومرا، کلثوم بگوم، غمگین است. کاملاً آشکار است که این مادر شش فرزند، که پنج نفرشان دختر هستند، بخاطر اینکه بزرگترین فرزندش قرار است اینقدر زود ازدواج کند ناراحت است. دلایل دیگری نیز برای ناراحتی‌اش وجود دارد.

اگرچه سومرا هنوز اطلاعی از این ماجرا ندارد، اما مردی که قرار است با او ازدواج کند 45 سال دارد، یعنی تقریباً چهار برابر سن سومرا.

او برای این ازدواج مبلغی معادل 4 هزار و 237 دلار آمریکا به پدر سومرا پرداخت کرده است.

کلثوم می‌گوید: «او تنها یک دختر بچه است. هیچ چیزی از ازدواج نمی‌داند و خبر ندارد رابطه‌اش با شوهرش قرار است چه چیزهایی برایش به همراه داشته باشد.»

در خیرپور، شهری که تقریباً 125 هزار نفر جمعیت دارد، و در 450 کیلومتری شمال شرقی شهر بندری کراچی واقع شده است، چنین ازدواج‌هایی به طور روزافزونی رایج است. کراچی بزرگترین مرکز شهری پاکستان و مرکز استان سند است.

هنوز معلوم نیست چه تعداد ازدواج خردسالان در سال در پاکستان رخ می‌دهد. باور می‌رود که بیشتر چنین مواردی از ازدواج‌های اجباری، که بسیاری از آنها در مناطق روستایی دوردست اتفاق می‌افتد، گزارش نمی‌شوند.

فعالان حقوق بشر می‌گویند: سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سال 2012 خود چنین گزارش داد که علی‌رغم افزایش آگاهی درباره انواع خشونت علیه زنان، اینگونه ازدواج‌ها زیاد رخ می‌دهند.

صندوق توسعه سازمان ملل برای زنان (UNIFEM) جنبشی علیه ازدواج‌های اجباری در پاکستان به راه انداخته است، اما بنا به گفته فعالان حقوق بشر، در حال حاضر، با وجود این تلاش‌ها، این روند همچنان ادامه دارد.

منطقه سند و جنوب پنجاب یکی از فقیرترین مناطق کشور است، و تحقیقات انجام شده پیرامون این موضوع نشان می‌دهد که این عاملی کلیدی در افزایش چنین پیوندهای غیرقانونی است، که طی آن، والدین اغلب وسوسه می‌شوند که دخترانشان را در ازای قیمت بالای پیشنهادی دامادهایی بفروشند که چندین برابر «عروس‌ها» سن دارند.

قیمت عروس معمولاً بین 1400 تا 5000 دلار است، و دختران جوانتر قیمت بالاتری دارند. خانواده‌هایی که مشکلات اقتصادی حادی دارند گفته‌اند «چاره‌ای ندارند» جز اینکه دخترانشان را به مردان مسن بفروشند. این در حالی است که در بسیاری از موارد، این معامله، بدون مشورت با دیگر اعضای خانواده، تنها توسط یک عضو خانواده که تقریباً همیشه مذکر است؛ مثل پدر یا پدربزرگ دختر، انجام می‌شود.

هینا جیلانی، نماینده ویژه مدافعان حقوق بشر در سازمان ملل به "آی آر آی ان" گفت: «اینجا جامعه‌ای است که از بسیاری لحاظ منحرف و غیراخلاقی است. گزارش‌هایی داریم که چنین ازدواج‌هایی به طرز روزافزونی در حال افزایش هستند، و فقط زمانی متوقف می‌شوند که قانون اجرایی شود.»

طبق قانون پاکستان، قانون جلوگیری از ازدواج کودکان مصوبه سال 1929 اعلام می‌دارد که هیچ زنی زیر 16 سال و هیچ مردی زیر 18 سال اجازه ازدواج ندارد. اما مثل دیگر بخش‌های قانون که هدفشان حمایت از آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه پاکستان است، این قانون نیز به ندرت اجرا می‌شود.

با این حال، استثناهایی نیز وجود دارد. در ماه مارس سال 2004، قاضی شهر دادو در سند، دستور حمایت از اختیار را صادر کرد؛ او دختری 7 ساله بود که پدرش او را به مردی 35 ساله برای ازدواج فروخت. کودک توانسته بود از چنگ شوهرش فرار کند، و مادرش به دادگاه رفته بود تا مانع فروش دخترش شود.

با وجود این قوانین، چنین مداخله‌هایی نسبتاً به ندرت رخ می‌دهند. سازمان‌هایی که مدارس دخترانه را در مناطق روستایی خیرپور و دیگر مناطق سند اداره می‌کنند، گزارش داده‌اند که در بسیاری از موارد، دخترها نمی‌توانند مدرسه‌شان را تمام کنند چون به محض رسیدن به سن نوجوانی و یا حتی زودتر از آن، ازدواج می‌کنند.

بارداری در دخترانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ سلامت عاطفی، اغلب بی‌نهایت مضر است.

آسیه 15 ساله، که سه سال پیش مجبور شد ازدواج کند، اکنون به همراه دو فرزندش، به منزل پدر و مادرش نزدیک خیرپور برگشته است. مادرش، «دلشاد بی بی» به «آی آر آی ان» گفت: «آن دختر از سوی پدرش به مردی 30 ساله به عنوان زن دومش فروخته شد، که با وی «مانند یک برده رفتار می‌کرد»، به او تجاوز می‌کرد، شکنجه‌اش می‌داد، و سپس از خانه شوهرش با لگد بیرون انداخته شد چون وی، زن سومی گرفت که جوانتر بود.»

طبق قوانین اسلامی که در کشور اجرا می‌شود، مردها اجازه دارند با چهار زن در آن واحد ازدواج کنند. درست مانند قوانینی که رضایت هر دو زوج و زوجه را برای ازدواج لازم می‌دانند، این ماده قانونی نیز که بر اساس آن، چنین ازدواج‌هایی می‌تواند فقط با رضایت زن‌های کنونی اتفاق بیافتد، اغلب نادیده گرفته می‌شود.

سازمان‌هایی مانند کمیسیون حقوق بشر پاکستان موارد شکنجه و خشونت علیه دخترانی را ثبت کرده‌اند که از سوی پدران‌شان به فروش رفته‌اند. دختران 9 و یا 10 ساله نیز شامل این قربانیان هستند.

جیلانی گفت: «باید آگاهی بیشتری درباره طیف وسیع‌تری از حقوق زنان و کودکان به وجود آید و همچنین باید برای کسانی که با فروش فرزندان‌شان، قوانین را نقض می‌کنند، مجازاتی تعیین شود. معافیت از مجازاتی که برای آنها موجود است شرایط را وخیم‌تر کرده است.»

در این میان، سومرا همچنان بازیگوشی می‌کند و به پیراهن و دامن روشن و پولک‌دوزی شده‌اش دست می‌زند؛ این لباسی است که قرار است روز عروسی‌اش بر تن کند. او النگوهای را که مناسب لباسش بود بر دستانش گذاشت. برای او، تمام این رویداد، چیزی بیش از یک بازی کودکانه نیست. اما در آینده خواهد فهمید که پایان بازی، چگونه خواهد بود.